

ایران از ۳ منبع، پیام جدیدی دربارهٔ گفت‌وگوهای احتمالی صادر کرد

این مذاکره، اون مذاکره نیست



زهرّا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

بعد از تجاوز رژیم صهیونیستی با همکاری مستقیم آمریکا، حرف زدن از مذاکره به‌مثابه حرکت کردن روی طنابی باریک از ارتفاعی بلند است که نیاز به احتیاط‌های ویژه‌ای داشته و دارد. از یک طرف گفته می‌شد، طرف آمریکایی به دنبال آن است که ایران را تنها برای گرفتن امتیاز پای میز مذاکره بکشانند اگرچه مطرح کردن گزینه مذاکره بلافاصله بعد از این تجاوز، معنایی جز این را نیز به ذهن متبادر نمی‌کرد. در سمت دیگر، افکار عمومی داخل ایران هم به دلیل تجاوز و تهاجم آشکار آمریکا به ایران، بدبینی بیشتری نسبت به مذاکره پیدا کردند و صحبت از مذاکره به‌سادگی شرایط پیش از جنگ نبود. اما نکته مهم‌تر آن بود که درک عمومی و حتی برخی نخبگان از مذاکره دچار خطاهای آشکاری شده بود. این باور غلط در میان عموم مردم جامعه و نخبگان وجود داشت که مذاکره، هدف است؛ اما مقامات و سیاستون ایران تلاش کردند تا این شبیهه را برای افکار عمومی و جامعه نخبگانی حل کنند، تعبیر دقیق‌تر در مورد مذاکره این بود که گفت‌وگو در کنار پدافند و موشک و رسانه، یک ابزار جنگی است. طبیعی است که نشستن پای میز مذاکره به معنی پذیرش همه آنچه‌که طرف مقابل مطرح می‌کند نیست؛ اما نمی‌توان در این موقعیت و شرایط پیچیده و حساس کشور از این ابزار مهم که کارکرد بین‌المللی نیز دارد استفاده نکرد. پیش شرط‌های مذاکراتی که سیدعباس عراقچی روز گذشته در گفت‌وگو با یک رسانه چینی مطرح کرد، نشان داد که دستگاه سیاست خارجی ایران به مذاکره به چشم یک ابزار نگاه می‌کند و در دیپلماسی را نبسته اما قرار هم نیست از موضع ضعیف و برای پذیرش فشارهای طرف آمریکایی، پای میز مذاکره بنشیند.

در دیپلماسی باز است «اما» اگرهایی داریم

«آیا امکان بازگشت به مذاکره وجود دارد؟ به نظر من بله.» سید عباس عراقچی روز گذشته در گفت‌وگو با رسانه «سی‌جی‌تی‌ان» چین از امکان بازگشت به مذاکره گفت، البته او در ادامه جمله‌اش را با یک «اما» ادامه داد و گفت: «تنها یک راه‌حل دیپلماتیک و مذاکره‌شده می‌تواند، مؤثر باشد، تحقق آن تنها زمانی ممکن است که آن‌ها جاه‌طلبی‌های نظامی خود را کنار بگذارند و خساراتی که به ما وارد شده را جبران کنند.» و در انتها هم گفت «آن زمان ما آماده مشارکت در مذاکرات خواهیم بود.» سید عباس عراقچی، پیش شرط‌های رسمی ایران برای شروع مذاکره با آمریکا را بیان کرد و پاسخنی به فشارهای آمریکا برای شروع مذاکره داد. در واقعیت وزیر خارجه ایران، ضمن آنکه به گفته خودش «در» دیپلماسی را به طور کامل نیست؛ اما عملاً این امکان را از مقامات اروپایی و آمریکایی سلب کرد که وجهه دیپلماتیک ایران را در فضای بین‌المللی، مخدوش کند. این گزاره را هم اثبات کرد که ایران با استناداردها و قواعد مورد نظر آمریکا، پای میز مذاکره نخواهد نشست. سیدعباس عراقچی در ادامه صحبت‌هایش به

موضوع حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران هم اشاره‌ای کرد و گفت: «حمله اخیر به تأسیسات هسته‌ای ما اثبات کرد که راه‌حل نظامی برای برخورد با برنامه هسته‌ای ایران، وجود ندارد.» تأکید مقامات و چهره‌های غربی برای شروع مذاکره با ایران و تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه اثبات کرد که برخلاف دور‌های افتخاری که ترامپ با حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌زند، اما برنامه هسته‌ای ایران با حمله نظامی، تعطیل‌پذیر نیست و بازگشت آن‌ها به نقطه صفر اعمال فشار برای شروع مذاکره اثبات کرد که گزینه نظامی علیه فعالیت هسته‌ای ایران، آن‌طور که باید کار نکرده و اهداف را محقق نکرده است.

با ساختارهای قبلی مذاکره نمی‌کنیم

در چند روز گذشته پرس‌تی‌وی هم به نقل از یک منبع بلندپایه سیاسی در واکنش به درخواست آمریکا برای مذاکره با ایران، اعلام کرد: «ایران با ساختارها و دستور کارهای پیشین، وارد مذاکره نخواهد شد.» این منبع سیاسی نیز در ادامه گفت: «اگر قرار باشد مذاکرات جدیدی شکل بگیرد، باید تضمین‌های جدی و عملی وجود داشته باشد. این مذاکرات سروشی برای یک فریب امنیتی نیست.» پیش شرطی که این منبع به پرس‌تی‌وی گفته این است که «به برنامه هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی رژیم صهیونیستی رسیدگی جدی شود، شرط دیگر این است که اسرائیل تنبیه معتبر شود و به ایران، خسارات پرداخت شود.» نکاتی که این منبع سیاسی در گفت‌وگو با پرس‌تی‌وی مطرح کرد مشابه صحبت‌هایی است که وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با رسانه چینی مطرح کرده است. موضوعی که نشان می‌دهد ایران این‌بار با پیش شرط‌های مشخص پای میز مذاکره می‌نشیند و البته اتفاق نظری برای ابدهای شروع مذاکره در دستگاه سیاسی کشور وجود دارد.

مذاکره تاکتیک است نه هدف

در روزهای بعد از توقف جنگ، اظهار نظر‌ها و تحلیل‌های متفاوتی در مورد شروع مذاکره و گفت‌وگو با آمریکایی‌ها مطرح می‌شد، برخی از چهره‌های سیاسی معتقد بودند برای جلوگیری از شروع جنگ باید پای میز مذاکره با آمریکا نشست و به توافق رسید. برخی دیگر نیز در انتقاد به درخواست مذاکره با آمریکا، آن را پالس ضعیف دانستند و نشستن پای میز مذاکره با کشوری که به ایران تجاوز کرده را بی‌معنی خواندند. در این مدت اما برخی از مقامات، فارغ از کشمکش‌ها و بحث‌های سیاسی، به این موضوع اشاره کردند که مذاکره یک ابزار برای گفت‌وگوست. علی لاریجانی در جریان حضورش در هیئت‌آیین حسینی و در پاسخ به این سؤال که گروه دیپلماسی ایران، بر سر چه چیزی می‌خواهد با آمریکا مذاکره کند، گفت: «مذاکره یک تاکتیک است، رهبری آتجایی که لازم می‌داند، آن را مطرح می‌کند. الان مذاکره‌ای مطرح نیست و نباید عجله‌ای هم در این رابطه داشت، آن‌ها با ما جنگ‌بند و ابتدا باید توضیح دهند که چرا با ما جنگ‌بندند.» محمداقرا قالیباف نیز در گفت‌وگوی تلویزیونی به این موضوع اشاره کرد که مذاکره یک ابزار جنگ است و نمی‌توان آن را حذف کرد.

جمعی از مدیران رسانه‌های کشور با خانواده شهید سلامی دیدار کردند

بدرود فرمانده

جمعی از مدیران رسانه‌های کشور با خانواده شهید سلامی دیدار کردند. به گزارش تسنیم، در این دیدار، حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان اظهار کرد: «ما برای کسب برکت به خانه شما آمدیم، شهادت سردار سلامی را هم تریک و هم تسلیت عرض می‌کنم؛ اما واقعیت این است که زور تریک ما به تسلیت شهادت سردار می‌چربد.» وی تأکید کرد: «سردار سلامی از هیچ چیز باک نداشت و معتقد بود همواره باید به خدا توکل کرد.» در این دیدار حمیدرضا مقدم‌فر، مشاور فرهنگی فرمانده سپاه اظهار کرد: «یکبار شایعه شد که سردار سلامی استعفا داده‌است که این شایعه نیز بیشتر از سوی آکانت‌های منافقین بود. موضوع را با شهید مطرح کردم و ایشان گفتند فقط مرگ و دستور حضرت آقا ما را از خدمت جدا می‌کند. ایشان گفتند حتی به تکذیب استفاده‌م نیاز نیست.» مشاور فرهنگی فرمانده سپاه‌بیان کرد: «سردار سلامی سپاه را دل‌آدره می‌کرد. دستورات ایشان دستور نظامی نبود باقلب بود و نیروها نیز دستور ایشان را باقلب می‌پذیرفتند.» در ادامه دختر شهید سلامی نیز

ابهام؛ سوغات یک سفر

ابهام؛ سوغات یک سفر

رئیس‌جمهور، به شکل زمینی و سپس از طریق «تاکسی» و نه تنها ماشین دولتی، چه توجیهی دارد؟

حتی مردم عادی هم قبل از سفر بنزین می‌زنند

سفر رئیس‌جمهور باید از نظر فنی و لجستیکی کاملاً آماده و پیش‌بینی‌شده باشد. اینکه سه خودروی اسکورت هم‌زمان مجبور به سوخت‌گیری در مسیر می‌شوند، ضعف در برنامه‌ریزی و آماده‌سازی تیم حفاظت و لجستیک را نشان می‌دهد، حتی مردم عادی هم زمانی که می‌خواهند به سفری هرچند کوتاه بروند، اولین کارشان پر کردن باک بنزین است. در سفر زمینی دقیقاً چه چیزی مهم‌تر از سوخت‌گیری است که تیم رئیس‌جمهور مشغول آن شده و بنزین‌زدن را فراموش کرده است؟

حرف کدام را باور کنیم؟

طبق روایت بازرس ویژه، سوخت از جایگاهی تهیه شده که پیش‌تر هم تخلّف داشته است. اگر این اطلاعات درست است، چرا چنین جایگاهی هنوز فعال است و اگر نادرست است، چرا مقام رسمی دولت چنین ادعای نادرستی را مطرح کرده است؟ طبق اطلاعیه شرکت پخش فراورده‌های نفتی، نمونه‌گیری از تمام نازل‌های سوخت‌گیری جایگاهی که منتهم به ارانه بنزین بی‌کیفیت شده، در تاریخ‌های یکم، ششم، شانزدهم و هفدهم تیر امسال، انجام شده که بر اساس گزارش‌های رسمی، هیچ گونه انحرافی در کیفیت یا کمیت فرآورده‌های عرضه‌شده و نیز هیچ نشانه‌ای از اختلاط سوخت با آب مشاهده نشده است. از سوی سخنگوی صنف جایگاه‌داران هم گفته در آن جایگاه عرضه سوخت در همان روز، ۱۰۰۰ خودرو بنزین‌زده‌اند و هیچ یک دچار مشکل نشده‌اند. باید توجه داشت دود این تناقض در روایت در چشم

استفاده هوشمندانه از یک ابزار تاکتیکی

مجموع اظهارات و صحبت‌های مقامات در رسانه‌ها و در آخرین مورد صحبت‌های وزیر خارجه ایران نشان می‌دهد که:

۱ برخلاف اعمال فشارهای غرب برای مذاکره، صحبت‌ها و اظهارات مقامات ایران نشان می‌دهد که بعید به نظر می‌رسد گفت‌وگو با آمریکایی‌ها قریب‌الوقوع باشد؛ چرا که موانع زیادی برای شروع گفت‌وگوها وجود دارد.

۲ اظهارات مقامات و همچنین وزیر امورخارجه ایران، اثبات کرد که اقدامات و تصمیم‌های ایران در سیاست خارجی نه در دام ذوق‌زدگی و وادادگی افتاده و نه در مسیر تندروی غیرعقلانی قرار دارد، ایران به‌واقع به مذاکره به‌عنوان ابزاری نگاه می‌کند که می‌تواند برای او امکاناتی را فراهم کند. نمود این نگاه در اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امورخارجه ایران دقیق‌تر روشن شد.

۳ شروع احتمالی مذاکره، در شرایطی که آمریکایی‌ها در آستانه شروع دور ششم مذاکرات، به حمله صهیونیست‌ها چراغ سبز نشان دادند و خودشان نیز ورودی مستقیم به این جنگ داشتند، پیچیده‌تر خواهد بود، طبیعی است که این بساری‌اعتمادی به آمریکایی‌ها پررنگ‌تر است و جامعه ایرانی نیز بدبینی بیشتری به شروع مذاکره دارد، به همین خاطر ایران صراحتاً اعلام کرد که برای شروع مذاکره پیش‌شرط‌هایی دارد که مهم‌ترین آن تضمین عدم آغاز جنگ است و در غیر این صورت پای میز مذاکره نخواهد نشست.

۴ واکنش ایران به اعمال فشار آمریکایی‌ها برای شروع مذاکره ضمن آنکه در دیپلماسی را نیمه‌باز گذاشته و آن را نفی نکرده، در عین حال تأکید دارد که حاضر نیست برای تحقق اهداف آمریکایی‌ها پای میز مذاکره بنشیند و بدون تضمین مذاکره نخواهد کرد، این واکنش هوشمندانه ایران، دیپلماسی و گفت‌وگو را به‌عنوان یک ابزار تاکتیکی برای ایران، فعال نگه خواهد داشت.

۵ برخلاف انتقادات و فضاسازی‌هایی که در چند روز گذشته علیه شروع مذاکره مطرح شد، اظهار نظر عراقچی که تکمیل‌کننده صحبت‌های دیگر مقامات ایران بود، نشان می‌دهد، موضع و تصمیم ایران هماهنگ شده و وحدت نظر در مورد نوع مواجهه با درخواست مذاکره با آمریکا، وجود دارد.

۶ بیسان اما و اگرهای ایران در خصوص مذاکره در مصاحبه و گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی، علاوه برآنکه پیام ایران به غربی‌ها را زودتر به آن‌ها می‌رسد، بازتابی هم در فضای افکار عمومی جهان خواهد داشت، اظهار تمایل ایران به مذاکره مانع آن می‌شود تا غربی‌ها چهره‌ای مخدوش‌شده و غیرواقعی از نظام حکمرانی ایران ارانه دهند و آن را محکوم به سرپیچی و دور زدن قوانین بین‌المللی کنند و مهم‌تر آنکه مانعی جدی برای جلوگیری از منزوی شدن ایران در صحنه بین‌المللی خواهد بود.

۷ موضع‌گیری وزیر خارجه ایران در مورد شروع مذاکره اثبات می‌کند که دستگاه سیاست خارجی نیز مذاکره را یک ابزار می‌بیند، نه یک هدف و با برنامه‌ریزی و ابده مشخص در مورد پیام‌ها و اعمال فشارهای آمریکا برای شروع مذاکره مواجه می‌شود.



فرمانده

فرمانده

موضوع، اجازه سفر رئیس‌جمهور با یک خودروی غیردولتی در مسافت طولانی صادر شده است؟

اسکورت برای تشریفات نیست

فلسفه اسکورت در سفرهای مقامات عالی‌رتبه بر پایه پوشش و پشتیبانی در شرایط اضطراری و امنیتی استوار است. اسکورت یک حرکت نمایشی نیست، بلکه مأموریت دارد در صورت بروز هرگونه اختلال، فوراً وارد عمل شده و امنیت و تداوم حرکت را تضمین کند. باین‌حال در این ماجرا شاهدیم که هر سه خودروی کاروان رئیس‌جمهور که قرار بوده مکمل و پشتیبان یکدیگر باشند به‌طور هم‌زمان بنزین تمام می‌کنند و بعد طبق ادعای مولوی، به طور هم‌زمان خاموش می‌شوند. این اتفاق عملاً فلسفه اسکورت را زیر سؤال می‌برد. اگر قرار باشد در نتیجه یک اتفاق ساده مثل سوخت‌گیری، همه خودروهای همراه از کار بایفتند، در موقعیت‌های پیچیده‌تر چه تضمینی برای حفظ امنیت وجود خواهد داشت؟

چرا اصلاح‌طلب‌ها

تهدید بنزشکیان را ساده‌سازی کردند؟

درحالی‌که انتظار می‌رفت رسانه‌های دولتی و نزدیک به دولت با دید انتقادی به ضعف تیم حفاظت و سازوکارهای نظارتی و نیز انتقاد از اصرار به انجام این سفر غیرضروری نگاه کنند، با روایت‌هایی سطحی از سادگی و مردمی‌بودن سعی کردند ماجرا را به سناریوی تبلیغاتی تبدیل کنند. درحالی‌که اگر اتفاقی برای رئیس‌جمهور در این سفر می‌افتاد، همین‌هایی که امروز از یک سفر غیرضروری و بدون رعایت مسائل امنیتی، دستاوردهای می‌کنند، از انبوهی تئوری‌های توطئه برای حذف او رونمایی می‌کردند!

سرمایه اجتماعی می‌رود و منجر به بی‌اعتمادی در روایت رسمی می‌شود.

بنزین با جنجال رسانه‌ای باکیفیت نمی‌شود

به فرض صحت ادعای اختلاط آب با بنزین، رئیس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، باید از طریق سازوکار نظارتی و اجرایی این موضوع را پیگیری و سپس گزارش آن را به مردم ارائه می‌کرد؛ نه اینکه روایت اولیه از سووی بازرس ویژه ریاست‌جمهوری رسانه‌ای شود و از آن طرف نهادهای نفتی که آن‌ها هم دولتی هستند، اطلاعیه بدهند و دوروایت کاملاً متناقض، سوهان روح مردم شود. ریاست‌جمهوری مثل شهرود عادی نیست که اگر با تخلفی در خدمات‌دهی عمومی به مردم روبه‌رو شوند، تلاش کنند با جنجال رسانه‌ای و فشار افکار عمومی به اصلاح امر بپردازند، بلکه مخاطب باید‌ها برای اصلاح امور خودشان هستند.

آدرس دقیق رئیس‌جمهور لازم بود؟

ابهامات سخنان مصطفی مولوی بیش از آن چیزی است که گفته شد. او با نام‌بردن از شهرها و اتوبان‌ها، فقط کم مانده مسیر دقیق رفت‌وآمد پزشکیان را با رسم شکل روی نقشه نشان دهد! درحالی‌که شهرهایی که نسام می‌برد، ربط منطقی هم به همدیگر ندارند. عمق فاجعه وقتی است که گفته می‌شود رئیس‌جمهور ادامه مسیر از قزوین را با تاکسی به تبریز رفته‌اند! اینکه رئیس‌جمهور بدون هماهنگی با نهادهای استانی و صرفاً با سوارشدن به تاکسی مسیر سفر را ادامه می‌دهد، نشانه سادگی او نیست، بلکه بی‌اعتنایی کامل به پروتکل‌های امنیتی و ناهماهنگی بین دستگاهی است. در شرایطی که دشمن متجاوز از هیچ‌نقشه و پروژه کثیفی برای ترور مقامات دریغ نمی‌کند، چرا به‌جای تماس با مسئولان استانی و حل‌وفصل